

جشنواره‌های خارجی سینمای ما را به کجای می‌برند؟



نظر خود تقویت، ساماندهی و گسترش می‌دهند. مشاور رئیس‌جمهور در ادامه می‌افزاید: این سناریو عینا سالهاست که در سینمای ایران نقش جدی و اساسی را بازی کرده و نه تنها موفق شده‌اند تصویری سیاه و ناپهنجاز از وضعیت اجتماعی ایران اسلامی و باورهای فرهنگی انقلاب اسلامی را در اذهان مخاطبان جهانی ثبت کنند؛ بلکه عملا استعداد‌های هنری این مرز و بوم را به هدر داده‌اند و فیلمسازان وطنی را به خدمت گرفته‌اند و آنها را بازیچه اهداف ستیزه‌جویانه خود در مقابل ملت بزرگ ایران و آرمان‌های آن قرار داده‌اند و در پشت سر این فیلم‌ها به تخریب چهره‌های ایرانی اسلامی و ناتوانی و عقده‌گشایی‌های خود، عمق و وسعت بیشتری داده‌اند و از سوی دیگر نگذاشته‌اند سینما که زبان موثر و ماندگار روزگار ماست در خدمت انعکاس پیام انقلاب اسلامی درآید.

در مقابل این نگاه هستند کسانی که به موضوع جور دیگری می‌نگرند. ابوالفضل جلیلی، فیلمسازي که پاره‌ای از فیلم‌هایش در جشنواره‌های خارجی موفق به کسب جایزه شده‌اند در این باره می‌گوید: «جشنواره» ایرانی و خارجی ندارد. جشنواره، جشنواره است و هر جشنواره‌ای قوانینی دارد و تعریفی، چه ایرانی و چه خارجی، مثلا جشنواره محیط زیست، تعریفش این است که فیلم‌هایی را می‌پذیرد

که درخصوص تخریب محیط زیست ساخته می‌شود. حالا این فیلم‌ها در ایران ساخته می‌شوند یا در اروپا یا در آمریکا، مانعی تواینم بگوئیم این جشنواره خواسته که فیلمساز ایرانی، فیلمی درخصوص تخریب محیط زیست در ایران بسازد که جایزه بگیرد. دیدگاهی وجود دارد که می‌گوید، هر جشنواره‌ای موضوع خاصی را دنبال می‌کند و فیلم‌هایی را که با اهدافشان همخوانی دارد، انتخاب و در نهایت به یکی از آنها جایزه می‌دهد، اما این طور نیست که مثلا فلان جشنواره بپاید و بگوید، فلانی لطفا برو و فیلمی این چنینی بساز.

درست مثل جشنواره‌های خودمان مثل جشنواره پایس، جشنواره رشد، محیط زیست و... اما نکته جالب این است که این اتفاق در رابطه با فیلم‌های فرهنگی می‌افتد و هیچ‌کس هیچ مشکلی حتی با مزخرف‌ترین فیلم‌های تجاری که بسیاری از این مسائلی که درخصوص فیلم‌های فرهنگی در جامعه مشاهده می‌کنید تاثیر گرفته از این نوع فیلم‌هاست، ندارد. موضوع هر چه باشد یک واقعیت روشن است و آن این است که سینمای ایران حال و روز خوبی ندارد و این طور به نظر می‌رسد که بخش بیشتری از تولیدات باهدف «جذب مخاطب» که باید مهم‌ترین بخش تولید و پخش فیلم باشد، ساخته نمی‌شوند. چگونه است که بخش مهمی از فیلم‌های جایزه گرفته

اصلا به نمایش درنیاورند، اما کارگردانان جایزه گرفته این فیلم‌ها خبر همیشگی صفحات هنری و سینمایی روزنامه‌ها هستند؟

آیا جوایزی که به این فیلم‌ها داده می‌شود، واقعی است؟ و فیلم‌های ساخته شده این چنینی تا چه اندازه موفق به جذب مخاطب می‌شوند؟ شمقدری در این باره می‌گوید: بدیهی است وقتی نگاه و جهتگیری مبنای ارزش گذاری بر محور اهداف سیاسی و تبلیغی قرار گیرد، شاخص‌های انتخاب و برتری هم متأثر از آن خواهد بود.

مخاطب خارجی چون تصویری واقعی از ایران ندارد و از سوی دیگر هر صبح و شام از سوی رسانه‌های گروهی کشور خود و کانال‌های ماهواره‌ای، تصاویر مغشوش و سیاه و آشفته از ایران دریافت می‌کند با دیدن این فیلم‌ها که به دست کارگردانان ایرانی ساخته شده، حجت بر او تمام می‌شود ضمن این که دیگر به ایران اسلامی رغبتی نشان نمی‌دهد و آن را مظهر شرارت می‌خواند در عین حال به رسانه‌های خود اعتماد می‌کند که این اعتماد سرمایه خطرناکی است که ممکن است در یک لحظه حساس به پشتوانه آن بزرگ‌ترین ضربه را به ایران بزند.

شمقدری در ادامه می‌گوید: این فیلم‌ها تنها با مخاطب خارجی و ناآشنا به ایران کار دارد چون مخاطب ایران هم اغراق آن را تشخیص می‌دهد و هم می‌داند این تصویری غلط از ایران پر عظمت است. این فیلم‌ها به نوعی یک خودزنی و مازوخیسم فرهنگی است که هیچ ملتی از هنرمندانش را نمی‌پسندد. آمار هم نشان می‌دهد که این فیلم‌ها حتی نیم درصد مخاطب ایرانی را هم نمی‌تواند به سالنها بکشاند. با این همه به نظر می‌رسد جایگاه حساس سینمای ایران باید بیش از این در مدیریت کلان فرهنگی کشور دیده شود. مطمئنا وقتی سینمای ایران یک تعریف جامع و واحد از آنی که «باید باشد» داشته باشد، سریع تر و شکیل تر می‌تواند مرحله «گذار» را طی کند تا به «قوام» برسد و این امیدواری هست که به تین این «تغییر» مخاطب هم به دستاورد‌های چنین سینمایی روی خوش نشان دهد.

گروه رسانه - مهدی غلامحیدری: بیش از ۲۰دهه است که عادت کرده‌ایم هر روز خیراهدای جایزه به فیلمی ایرانی از سوی یک جشنواره خارجی را در روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های مختلف ببینیم و بخوانیم و احتمالا کمی ذوق کنیم. آن طور که به نظر می‌رسد این روند همچنان ادامه خواهد داشت و فیلمسازان ما کمابیش با دست‌پراز خارج بر خواهند گشت؛ اما همه حرف همین است که این جایزه‌ها تا چه اندازه در سمت و سو دادن به جریان سینمای ایران موثر بوده‌اند و اگر سینمای ما به دام جشنواره‌های رنگارنگ خارجی نمی‌افتاد، آیا وضعیت بهتری در حال حاضر نداشت؟

شاید این سوال طرح شود که اگر این جوایز نبودند، آثار سینمایی ما اصولا فرهنگ ما اقتدرها که باید شناخته و دیده نمی‌شد؟ اما این تنها یک سوی قضیه است؛ چراکه محتوای آثار جایزه گرفته، نشان داد که تا چه اندازه فیلمسازان مطابق سلیقه جشنواره‌های خارجی، فیلمی را جلوی دوربین می‌برند و آثار تولید شده بسیاری هم تنها با این سودا که زمانی در جشنواره‌های خارجی مورد توجه قرار گیرند، بدون کمترین توجه به علاقه‌های مخاطب داخلی پخش نشده و مژود در گوشه انبارها خاک می‌خورند.

جواد شمقدری، مشاور هنری رئیس‌جمهور و کارگردان سینمای ایران در پاسخ به این سوال «جام جم» که جشنواره‌های خارجی در سمت و سوق دادن سینمای ایران چقدر نقش دارند، می‌گوید: هنرمند مایل است دیده شود و اثر او مورد توجه دیگران قرار بگیرد. جشنواره‌های جهانی از این نیاز بهترین بهره‌بردار را می‌کنند. آنها فیلم‌هایی که اهداف سیاسی و فرهنگی آنان را پوشش می‌دهد و به عنوان یک ابزار تبلیغی و فرهنگی می‌تواند بر اساس نظام سلطه و تقویت و تجلیل آن و در مقابل به تحقیر و تخریب ملت‌های آزاده و حرکتهای آزادیخواهانه و استقلال طلبانه آنان پردازد، مورد توجه قرار می‌دهند و با مطرح کردن این نوع فیلم‌ها و فیلمسازانش عملا جریانی از فیلمسازی را در کشور‌های هدف و مورد